

## ویژگی وعده‌های الهی در قرآن و روایات

محمد کاوه\*

استادیار معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران

فاطمه محمدحسینی\*\*

کارشناس ارشد تفسیر قرآن کریم، دانشگاه علوم قرآنی قم، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۱۱)

### چکیده

«وعده الهی» موضوعی پربسامد در قرآن مجید و سنت معصومان<sup>(ع)</sup> است. در گونه‌شناسی وعده‌ها می‌توان آن‌ها را به وعده‌های مربوط به پیامبران<sup>(ع)</sup>، عموم مؤمنان و خواص آن‌ها تقسیم کرد. با توجه به رابطه علی میان بینش‌ها و کنش‌ها، اطلاع از ویژگی وعده‌ها به عنوان مجموعه‌ای از بینش‌ها در تقویت دینداری مؤثر است. علاوه بر ویژگی و نتایج خاص وعده‌ها در حوزه‌های معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و روش‌شناختی، یک ساختار منسجم و هدف واحد در دستاوردها دنبال می‌کند. برای رسیدن به این امر، ابتدا مطلق آیاتی که وعده الهی را بیان کرده‌اند، استخراج و طبقه‌بندی شد. سپس با مراجعه به تفاسیر، به تحلیل هر طبقه پرداخته شده است. دستاورد گونه‌های سه‌گانه، درحوزه معرفت‌شناختی عبارتند از: اخباری و مطلق بودن، معرفت یقینی، دارای معیار سنجش صدق و شیوه‌های بیانی متفاوت. در حوزه هستی‌شناختی، وعده‌ها وجود بالفعل و تشکیکی دارند. حوزه انسان‌شناختی در ابعاد؛ بینشی، کنشی و روش‌شناختی می‌باشند که در بعد بینشی، وعده جاودانگی انسان و وعده‌های سیاسی و اجتماعی می‌باشند و در بعد کنشی، وعده‌های علم‌آموزی، تربیت صالحان و همزیستی مسالمت‌آمیز اجتماعی مطرح‌اند. در بعد روش‌شناختی، انسان دارای رویکرد فقهی، تفسیری، کلامی و تربیتی است. دستاوردهای فوق، تجهیزاتی برای هدایت و تربیت انسان است.

**واژگان کلیدی:** وعده الهی، معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، روش‌شناسی.

\* Email: kave41@gmail.com. (نویسنده مسئول)

\*\* Email: fmhasani1396@gmail.com

## مقدمه

یکی از موضوعات گسترده در قرآن، «وعده الهی» است، اعم از اینکه به صورت صریح باشد؛ مانند: ﴿إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلِكُمْ مَدْخَلَ الْجَنَّةِ الْمَأْمُونَةِ﴾ اگر از گناهان بزرگی که از آن نهی می‌شوید، پرهیز کنید، گناهان کوچک شما را می‌پوشانیم و شما را در جایگاه خوبی وارد می‌سازیم ﴿النساء/۳۱﴾ یا ضمنی باشد؛ مانند ﴿الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ﴾ همان‌ها که از گناهان بزرگ و اعمال زشت دوری می‌کنند، جز گناهان صغیره (که گاه آلوده آن می‌شوند)؛ آمرزش پروردگار تو گسترده است ﴿النجم/۳۲﴾. وعده‌های الهی از جمله اخبار غیبی است و ایمان به آن یکی از نشانه‌های متقین است (البقره/۳). علاوه بر این، انسان در زندگی عادی و مادی خود به وعده‌ها توجه دارد و از نظر فلسفی، یکی از علل خارجی (علت غایی) در انجام کارهاست. اغلب انسان‌ها دوست دارند که بدانند در تجارت، به‌ویژه با خداوند چه چیزی عاید آنان می‌شود. از این رو، در قرآن مجید و سنت معصومان<sup>(ع)</sup>، وعده‌های الهی انگیزه انسان‌ها را کاویده و تحریک کرده‌است.

بحث از وعده‌های الهی یک موضوعی چندوجهی است که می‌توان به جنبه‌های مختلف آن پرداخت. یکی از وجوه آن که رسالت این پژوهش است، ویژگی وعده‌های الهی در قرآن و روایات می‌باشد. وعده‌های الهی چه ویژگی‌هایی دارند؟ این تحقیق بر مبنای نگاه عقلانی انسان به وعده‌های الهی است، لذا آن را در چهار محور معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و روش‌شناختی تبیین‌پذیر می‌داند که هر یک از این محورها ویژگی‌ها و آثاری دارد.

با توجه به تقدّم رتبی معرفت‌شناسی بر فلسفی، از نظر معرفت‌شناسی، برخی سؤالات در این حوزه عبارتند از: معنای وعده‌های الهی، اخباری است یا انشائی؟ مفاد وعده‌ها مطلق است یا نسبی؟ ملاک تصدیق - در اصطلاح معرفت‌شناسی - وعده‌ها چیست؟ منابع شناخت وعده چیست؟ آیا شیوه بیان واحدی دارند؟

از نظر هستی‌شناسی، آیا وجود بالفعل دارند یا بالقوه؟ آیا مصداق واحدی دارند؟ از نظر انسان‌شناسی، جنبه‌های بینشی و کنشی (فردی و اجتماعی) دارند؟

پیشینه پژوهش این موضوع در برخی تفاسیر، مانند المیزان و تسنیم به اقتضای بعضی آیات قرآن مفصل بیان شده است و برخی کتاب‌ها، مانند وعده‌های الهی به صابران که به موضوع صبر و امید، باورهای آرام‌بخش، پاداش و... پرداخته است، یا کتاب وعده‌های الهی در قرآن و برخی پایان‌نامه‌ها، مانند «وعده و وعید الهی»، «وعده‌های الهی در قرآن و سنت»، «وعده‌های خدا»، «علت وعده‌های الهی در قرآن» و برخی مقالات به صورت متفرقه مطرح شده است. در تمام مواردی که بیان شد، موضوعاتی از قبیل اقسام وعده و وعید، وعده‌های دنیوی (اعم از عمومی و خصوصی)، مانند وعده نصرت به انبیا، وعده امامت، نجات خانواده از عذاب، ابتر نبودن، برکات، تمییز حق از باطل، حفاظت از قرآن و...، وعده‌های اخروی، مانند وعده بهشت به همسر فرعون، وعده به نفس مطمئنه، وعده به نهرها و چشمه‌ها، مخاطب وعده‌ها، صادق بودن وعده‌ها، ثمره وعده‌های الهی در زندگی دنیا و آخرت، وعده‌هایی که در دنیا محقق می‌شود و وعده‌هایی که در آخرت تحقق می‌یابد، آثار تربیتی وعده‌ها، متغیر بودن وعده‌ها نسبت به مخاطب و... مطرح شده است. از پراکندگی موضوعات و فقدان بعضی مباحث، تمایز این پژوهش با توجه به محورهای ارائه شده به وضوح مشخص می‌شود.

روش کار در این تحقیق چنین است که ابتدا با مراجعه به آیات و روایاتی که وعده الهی را چه با لفظ «وَعْد» و غیر آن مطرح کرده‌اند، جمع‌آوری شد. سپس دسته‌بندی و به تفاسیر آیات مربوط مراجعه شد و سرانجام، در ابعاد چهارگانه تحلیل گردید.

## ۱. مفهوم‌شناسی

الف) کلمه «وَعْد» از نظر لغوی در کار خیر و شرّ به کار می‌رود، ولی کلمه «وَعید» فقط در کار شرّ استعمال می‌شود (ر.ک؛ جوهری، بی تا، ج ۲: ۵۵۱)؛ چنان که مصدر

«ایعاد» نیز در کار شر استعمال می‌شود (ر.ک؛ ابن سیده، بی تا، ج ۲: ۳۲۸). در قرآن کریم نیز واژه «وعد» در هر دو زمینه به کار رفته است؛ مثلاً در آیه ﴿وَاللَّهُ يَعِدُّكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ برای مغفرت و در آیه ﴿النَّارُ وَعَدَهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ برای عذاب استعمال شده است. اهل عرف کلمه «وعد» را در تعهدات خیر و «وعید» را در پیمان‌های شر به کار می‌برند. بر پایه استعمال عرفی، تعبیر «وعدۀ فقر» برای تهکم و استهزاست؛ مانند کلمه بشارت (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶، ب، ج ۱۲: ۴۱۶).

ب) معرفت‌شناسی: «معرفت، درک و شناخت شیء است با تفکر و تدبیر در اثر آن و از علم اخص است» (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۵۸۴) و در اصطلاح، بر اساس تعریف برخی از دانشمندان غربی و اندیشمندان مسلمان، معرفت‌شناسی نام علم و دانشی است که به بررسی مطلق شناخت، اعم از علم حضوری و حصولی، گسترده شناخت، ابزار شناخت، منابع شناخت و اعتبار شناخت می‌پردازد (ر.ک؛ فیاضی، ۱۳۸۷: ۲۵-۲۶؛ معلمی، ۱۳۹۰: ۱۸؛ رضایی، ۱۳۹۶: ۱۹ و مصباح، ۱۳۹۰: ۲۹)؛ به بیان دیگر، معرفت‌شناسی نام علم درجه دومی است که به شناخت‌های انسان از حیث مطابقت با واقع و... می‌پردازد. ج) هستی‌شناسی، نام دانشی است (= فلسفه) که به هستی و وجود جلوه‌ها می‌پردازد. برخی نوشته‌اند: «فلسفه را می‌توان به هستی‌شناسی قطعی تعریف کرد؛ زیرا هستی‌شناسی، مشتمل بر شناخت تصویری و تصدیق برهانی بر وجود اشیاء است» (همان).

#### د) انسان‌شناسی

انسان‌شناسی را می‌توان تعریف ابزاری و غایی کرد؛ یعنی گفت: «انسان‌شناسی علمی ابزاری است که علاوه بر آشنایی با خود، او را به خداشناسی راهنمایی می‌کند» (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۴: ۲۳۳).

## ۱. وعده‌های معرفت‌شناختی

منظور از وعده‌های معرفت‌شناختی، آن دسته از وعده‌هایی است که به مسائل معرفت‌شناسی معطوف است. به لحاظ معرفت‌شناختی، مسائل مختلفی درباره‌ی وعده‌های الهی قابل طرح است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

### ۱-۱. ماهیت وعده

وعده‌ی الهی همانند وعده‌ی انسان از مقوله‌ی مفاهیم ذهنی نیست تا با خارج سنجیده شود و بعد متصف به صدق و کذب گردد، بلکه از مقوله‌ی حقایق خارجی و عینی است؛ زیرا قول خداوند همان فعل اوست. پس تا اراده کند، محقق می‌شود، چون عالم، ملک خداست و او بر عالم سلطنت حقیقی دارد. امام علی<sup>(ع)</sup> کلام الهی را فعل او بیان داشته‌است: «إِنَّمَا كَلَامُهُ سُبْحَانَهُ فِعْلٌ مِنْهُ أَنْشَأَهُ» (فیض الإسلام، ۱۳۵۱: خ ۲۲۸). فلاسفه متأله با الهام از فرمایش علی<sup>(ع)</sup> درباره‌ی تبیین مفهوم کلام و متکلم نوشته‌اند:

«تکلم مصدر صفتی است که مؤثر در غیر باشد؛ یعنی آنچه از عنوان کلام و تکلم بر گرفته شده، مسئله تأثیر و جرح در غیر است. کلام از این نظر که اثر و انفعالی در گوش و نفس دیگران ایجاد می‌کند، «کلام» نامیده می‌شود و فائده آن، اعلام و اظهار نمان و درون است. بدین روی، کلام، یعنی انشاء و ایجاد چیزی که بر درون و ضمیر متکلم دلالت کند. پس کلام، دال و معانی مدلول هستند و کسی که کلام را انشاء می‌کند، متکلم است» (صدرای شیرازی، ۱۳۶۳: ۱۸).

همچنین، برخی دیگر نوشته‌اند: «قول خدای تعالی همان فعل اوست؛ به این معنا که او کاری را که انجام می‌دهد، آن کار به خودی خود بر مقصود او دلالت می‌کند» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۱۱۱).

بنابراین، وعده الهی نیز از نظر معنایی اخبار نیست، بلکه انشاء و ایجاد فعل در خارج است و دیگر اینکه وقوع وعده الهی حتمی است؛ زیرا در امور تکوین، ملکیت، علم، خیرخواهی و قدرت نامتناهی خداوند مطرح است؛ همانند کاری که خدا در عالم هستی انجام می‌دهد. اما در وعده‌ها، شرایط آن کار را ما با عمل فراهم می‌کنیم و آن کار فعلاً نزد به‌ظاهر غایب است و ما آن کار را در آینده مشاهده می‌کنیم؛ مثل بهشت و جهنم که بالفعل موجود است، ولی در آینده دیده می‌شود و از نظر ما غایب است.

برخی مفسران نوشته‌اند:

«وعده و وعید، هر دو از سنخ انشاء و تعهدند، نه از سنخ اخبار، مگر در جایی که کسی از وعده یا وعید دیگری خبر دهد. وعده، یعنی تعهد بر رساندن نفع یا دفع ضرر، و وعید، یعنی تعهد بر رساندن ضرر یا تقویت منفعت» (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۳۹۵).

## ۲-۱. اطلاق وعده

خداوند می‌فرماید: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ (المائده/۹). مفاد وعده الهی گرچه مختص انسان‌های مؤمن است که حُسن فعلی و حُسن فاعلی در افعال خود دارند، ولی این اختصاص، مطلق است؛ یعنی برای همه مخاطبان، ثابت، همیشگی و همگانی است. این وعده از ابتدای تاریخ بشریت به آدم ابوالبشر داده شده بود و تا روز قیامت برای انسان‌های بعدی ادامه دارد. قرآن مجید در سوره‌های مختلف و در برخی داستان‌ها وعده‌هایی مانند «پذیرش توبه»، «مغفرت»، «اجر عظیم» و... را حکایت کرده است و بر دوام آن تأکید دارد: ﴿وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ﴾ (الأنبياء/۸۸)؛ زیرا وعده‌ها مصالح واقعی و ملاحظات تربیتی دارند و بر اساس حکمت خداوند، برای جلب منافع و دفع مفسدات از حیات حقیقی انسان صادر شده‌اند و از آنجا که واقعیت مطلق، یعنی خداوند یکی بیش نیست، وعده‌ها نیز باید مطلق باشند، و گرنه نسبی است و اگر وعده‌ها نسبی شد، سر از محدودیت آگاهی خداوند و یا عدم رعایت مصالح

و غرض ورزی خداوند درمی آورند و صدور همه این موارد از حکیم مطلق، قبیح و محال است.

### ۳-۱. راه‌های وعده

ارتباط ما با وحی از طریق روش نقلی است. از این رو، شناخت محتوای آن تنها از طریق ادله نقلی، یقینی و ظنی است. لذا باید مراقب بود ابزار معرفت دینی ما یقینی باشد. در اهمیت این موضوع، ثبات قدم انسان و دفاع در مقابل شبهات ملحدان، کفایت می‌کنند. ابزار شناخت وعده‌های الهی در اسلام، نقل معتبر و عقل است. قرآن سند حقانیت پیامبر اسلام و سنت متواتر معصومان<sup>(ع)</sup>، این دو منبع برای هر مسلمانی یقین آور و حجت است و از منابع فقه، حقوق و اخلاق محسوب می‌شوند. اما حجیت قرآن ذاتی است، از آن رو که انتساب به خدا دارد و با ادعای اعجاز اثبات گردیده است، ولی حجیت سنت، بالتبع و بالعرض از حجیت قرآن است و از طرق آیات قرآن یا عرضه بر قرآن، حدیث ثقلین و... اثبات می‌شود. بنابراین، یقین به وعده‌ها، یقین منطقی است. اما عقل با توجه به همتایی عقل برهانی و شرع، و نیز تلازم عقل و شرع، به نظر می‌رسد همان طور که عقل ابزار معرفت به اصول عقاید، ارزش‌های اخلاقی و احکام الهی در فقه است، عقل نیز کاشف از اراده الهی در وعده‌هاست: «عقل... به همراه نقل دو منبع معرفت‌شناختی دین محسوب می‌گردند» (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج: ۱۰۳).

### ۴-۱. معیار وعده

صادق و کاذب بودن از مباحث مهم معرفت‌شناسی و مربوط به کیفیت مقوله مفاهیم ذهنی با جهان خارج است و غایت علم محسوب می‌شود. موضوع صدق نه فقط در مباحث معرفت‌شناسی و فلسفی، بلکه در مباحث اعتقادی نیز صادق است؛ مانند وعده شیطان از روی فریب و دروغ است، اما وعده الهی صادق، یعنی مطابق با واقع است، از

این باب که جهان، خارج قول و فعل اوست و جهانِ خارج دروغ‌بردار نیست و خدا سلطنت حقیقی بر عالم دارد.

همچنین، سخن خداوند ارزشمند است، از این باب که او کمال مطلق است. بنابراین، وعده‌هایی مانند قبول پذیرش توبه به شرط برگشت عبد به صراط حق و اضافه شدن مال و مغفرت گناهان در صورت انفاق کردن و... همگی صادقند: ﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾؛ شیطان به هنگام انفاق، وعده فقر و تهیدستی می‌دهد و به فحشا امر می‌کند، ولی خداوند وعده آمرزش و فزونی به شما می‌دهد و قدرت خداوند وسیع و (به هر چیز) داناست ﴿البقره/۲۶۸﴾.

علاوه بر دلیل گفته‌شده در باب صدق، بر اساس معیار پراگماتیسم از حقیقت، وعده الهی صادق است؛ زیرا در زندگی مفید است و تأثیر عملی دارد؛ یعنی به لحاظ سبک زندگی شایسته است که مؤمنان در روابط خود با یکدیگر نسبت به وعده‌های خود صادق باشند و هرگز وعده‌ای ندهند که وفای به آن برایشان مقدور نیست. همچنین، بر اساس معیار انسجام گراها از صدق، وعده‌های الهی منافی یکدیگر نیستند؛ زیرا وعده‌های الهی با یکدیگر منافات ندارد. سرانجام، بر اساس معیار عقل‌گرایان از صدق، مطابقت هر وعده با ظرف مناسب با «نفس الأمر» آن است (ر.ک؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۳: درس ۱۹). بنابراین، وعده‌های الهی با معیارهای مختلف صادق و پشتوانه یقین منطقی و یقین بالمعنی الأخص دارند.

## ۱-۵. قالب وعده‌ها

شیوه‌های متفاوتی در بیان وعده وجود دارد که برخی شناخته‌شده‌ترین آن‌ها عبارتند

از:



### ۱-۵-۱. وعده لفظی

خدا به پیامبر اسلام (ص) وعده داد که برای انفاق دو فایده است: ﴿وَاللَّهُ يَعِدُّكُمْ مَغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا﴾. البته وعده خداوند تنها لفظی نیست، بلکه همراه با عمل است؛ مثلاً به شخص انفاق کننده، الهام کارهای خیر بکند.

### ۱-۵-۲. وعده نوشتاری

وعده‌های قرآن مجید نسبت به انسان، سندی نوشتاری است؛ مانند وعده نجات مؤمنان از گرفتاری‌ها، ذکر یونسی (الأنبياء/۸۸).

### ۱-۵-۳. وعده در قالب الهام (بیداری)

خداوند به مادر حضرت موسی (ع) دو وعده داد: ﴿لَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾: به مادر موسی الهام کردیم: او را شیر ده و چون بر او بیمناک شدی، او را در نیل بینداز. مترس ما او را به تو بازمی گردانیم و از پیمبرانش قرار می‌دهیم ﴿(القصص/۷)﴾. مادر موسی نیز تحقق وعده خدا را با چشم خود دید؛ خواه وعده را فرشته به مادر موسی گفته باشد؛ مانند وعده به ساره و مریم، یا در قالب الهام گفته شده باشد. در هر حال، کار مادر موسی تصادفی نبود؛ زیرا تصادف محال است و «الهام خیر» کار خداوند است. همان‌طور که شیطان وعده خود را از طریق وسوسه نفس انجام می‌دهد: ﴿الَّذِي يُوسُّوسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ﴾ (جوادی آملی، ۱۳۸۶، الف، ج ۱۲: ۴۲۰).

### ۱-۵-۴. وعده در قالب رؤیای صادق

خداوند به حضرت یوسف در خواب بشارت آینده‌اش را داد: ﴿إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ﴾: زمانی که یوسف به پدرش گفت: «ای پدر، من یازده ستاره با خورشید و ماه را دیدم، که بر من سجده

می‌کنند ﴿یوسف/۴﴾ و هنگامی که یوسف به سلطنت رسید، یازده برادر به همراه پدر و مادر بر او خضوع کردند. او فرمود: پدر! این تعبیر خوابی است که قبلاً دیدم. پروردگرم آن را حق قرار داد (یوسف/۱۰۰). علامه طباطبائی می‌گوید:

«اگر به سبب وعده الهی نبود، ممکن بود خیلی جلوتر از این با نامه و یا پیغام، پدر و برادران را از جایگاه خود خبر دهد و به ایشان خبر دهد که من در مصر هستم، ولیکن در همه این مدت که کم هم نبود، چنین کاری را نکرد، چون خدای سبحان خواسته بود روزی برادران حسود او را در برابر او و برادر محسودش در موقف ذلت و مسکنت قرار داده، او را در برابر ایشان بر سریر سلطنت و اریکه قدرت قرار دهد» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۳۲۲).

## ۲. وعده‌های هستی‌شناختی

منظور از وعده‌های هستی‌شناسانه، وعده‌هایی است که ناظر به عالم خارج و عین صادر شده است. هستی از نظر قرآن، منحصر در طبیعت مادی نیست، بلکه شامل غیب نیز می‌شود. منتهی غیب نسبی است و برای برخی مشهود است. همچنان که عارف آن را درک می‌کند، کار فیلسوف آن است که به وسیله مفاهیم و با استدلال، «غیب نسبی» را اثبات کند. اثبات وجود وعده‌های هستی‌شناختی الهی از دو راه است: یکی علم شهودی که با عرفان به دست می‌آید و فیلسوف آن را به عنوان شاهد و صغرای استدلال خود به کار می‌برد. دیگری علم حصولی، یعنی قرآن، روایات و گاهی عقل است. قرآن می‌فرماید: ﴿كَأَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ﴾ (التکواثر/۵-۶). برخی مفسران نوشتند: «این ناظر به شهود در دنیا است، و گرنه پس از مرگ، همه مردم آن را مشاهده می‌کنند» (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۴۰۵).

از نظر روایی، حارثه بن مالک در پرسش پیامبر اکرم (ص) مبنی بر «کیف أصبحت؟»، عرض کرد: «أصبحتُ موقناً». سپس پیامبر علامت یقین او را پرسید و حارث گفت: «... گویا اهل بهشت را مشاهده می‌کنم که از نعمت‌های الهی بهره می‌برند... و گویا اهل

جهنم را می‌نگرم که در آن معذب هستند و فریاد برمی‌آورند. گویا اکنون صدای نعره آتش در گوش‌هایم می‌پیچد...». پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> نیز گفته‌های او را با عبارت «عَبْدٌ نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ» او را تأیید و وی را دعا کرد (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷ق.، ج ۲: ۵۳).

همچنین، آمده است: «کسی که منکر وجود فعلی بهشت و دوزخ باشد، از ما نیست» (ابن بابویه قمی، ۱۳۹۸ق.:: ۱۱۸). از نظر عقلی نیز وجود فعلی عالم برزخ زمانی معنی پیدا می‌کند که سه جهان وجود داشته باشد؛ مانند برهانی که بوعلی سینا برای ابطال سلسله علل بیان داشته است.

وجود و عدم وجود خارجی این دسته از وعده‌ها از چند نظر قابل بررسی است. برخی از آن جهات عبارتند از:

## ۲-۱. وعده‌دهنده

در قرآن مجید، وعده‌دهنده گاهی خداوند و گاهی غیر اوست. البته وعده الهی با واسطه صورت می‌گیرد، ولی منظور ما این است که تعبیر «موعود» به بندگان از سوی خداست. بنابراین، وعده‌دهنده از این منظر همتا و همسان نیستند. گرچه فاعل مستقل در هستی خداوند است، اما یک بار خود خداوند البته با واسطه تعبیر وعده را بیان می‌کند؛ مانند: ﴿فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيحْيَىٰ مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَوَسِيدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ: وَ هُنَاكَ هِيَ الْبَيْتُ الْحَامِ الْأَشْرَفُ الْأَعْزَمُ﴾ (آل عمران/ ۳۹) یا ﴿يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ: پروردگارش آنان را از جانب خود به رحمت، خشنودی و باغ‌هایی که در آن‌ها نعمت‌هایی پایدار دارند، مژده می‌دهد﴾ (التوبه/ ۲۱). همچنین، می‌فرماید: ﴿إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ...﴾ (به یاد

آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم! خداوند تو را به کلمه‌ای [= وجود باعظمتی] از طرف خودش بشارت می‌دهد... ﴿آل عمران/۴۵﴾.

یک بار هم رسول خدا با توجه به اذن و اجازه‌ای که دارد، به بندگان وعده می‌دهد؛ مانند: وعده موسی<sup>(ع)</sup> (طه/۸۶) و پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup>: ﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ و مژده ده به کسانی که ایمان آورده‌اند و نیکوکاری پیشه کرده‌اند، بهشت‌هایی را که برای آن‌ها مهیا شده است که نه‌رهایی از زیر درختان آن‌ها جاری هستند. هر زمان که میوه‌ای از آن باغ‌های بهشت به آن‌ها داده شود، می‌گویند این همان است که قبلاً به ما روزی شده بود و میوه‌هایی که برای آن‌ها می‌آورند، همه از نظر خوبی و زیبایی یکسانند و برای آن مؤمنان، همسرانی پاک و پاکیزه است و همیشه در آن بهشت خواهند بود ﴿البقره/۲۵﴾. البته بشارت در قرآن از نظر منطقی، اعم از خبر خوب و بد است؛ زیرا کلمه بشارت در قرآن هم برای خبر خوب به کار رفته است؛ مانند آیه فوق، و هم برای خبر بد؛ مانند ﴿فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ (آل عمران/۲۱)، ولی وعده درباره خبر خوب است.

## ۲-۲. نسبیت وعده‌های هستی‌شناختی

مصادیق نویده‌های الهی، تشکیکی است و در یک سطح نیست؛ زیرا آدمیان در سیر و سلوک بندگی خداوند متفاوت هستند. از این رو، بهشت که پاداش جزای اعمال صالح یا در قبال خرید جان مؤمنان است، نیز تشکیکی است. در این موضوع، فرقی بین بهشت جسمانی (جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ) با بهشت روحانی نیست: ﴿فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ﴾ در جایگاه صدق نزد خداوند مالک مقتدرند. امام کاظم<sup>(ع)</sup> فرمود: درجات بهشت به اندازه آیات قرآن است. پس کسی که می‌تواند قرآن بخواند، خداوند به او می‌فرماید: بخوان و بالا برو، و کسی که از اهل قرآن وارد بهشت شد، هیچ کس در درجه بهشت از او برتر نخواهد بود، مگر پیامبران و صدیقان (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج

۲: ۶۰۶). البته بر اساس آیات قرآن، روایات و عقل<sup>۱</sup>، روز قیامت روز عمل کردن نیست تا اینکه قرائت آنان ثواب داشته باشد، بلکه قیامت روز ظهور اعمال است. از این رو، صعود بهشتیان صعود خاصی است. آیت الله جوادی دربارهٔ صعود بهشتیان نوشته است: «صعود در درجات بهشت، پاداشی است که خداوند به قاریان قرآن وعده داده است و همان ظهور انس با قرآن در دنیا است» (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۴۷). همچنین، نعمت‌های الهی در بهشت غیرمتناهی و غیرمنقطع است. از این رو، بهشتیان هنگام ورود به بهشت و مشاهده وعده‌های الهی مرتب در حال حمد و ثنای خداوند هستند. از پیامبر اسلام (ص) نقل است که فرمودند: «الحمد لله، الكلمة التي يقولها أهل الجنة إذا دخلوها وينقطع الكلام الذي يقولونه في الدنيا ما خلا الحمد لله» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۱۸۸).

### ۲-۳. محسوسیت وعده‌های هستی‌شناختی

برخی وعده‌های الهی در دنیا به افراد خاص، گاهی قابل مشاهده همگانی است؛ مانند وعدهٔ بچه‌دار شدن حضرت زکریا (ع) در حالی که هر دو از سن بچه‌دار شدن گذشته بودند: ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا مَوْلَىٰ إِلَيَّ فَأَتَىٰ بِهَا كَلِمَاتٍ فَاتَّخَذَهَا مَوْلًىٰ وَكَانَ اسْمُهَا مَرْيَمُ الْمَرْيُومُ الْأَخْيَرُ الْأَقْوَمُ﴾ (آل عمران/۴۰). آیت الله جوادی می‌گوید: «احتمال اینکه یَفْعَلُ مَا يَشَاءُ: پروردگارا! چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد، در حالی که پیری به سراغ من آمده است و همسر من نازاست؟! فرمود: بدین گونه خداوند هر کاری را بخواهد، انجام می‌دهد» (آل عمران/۴۰). علامت خواهی حضرت زکریا برای مشخص شدن زمان تحقق بشارت الهی باشد، قوی‌تر است» (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۴: ۲۰۴). همچنین است وعدهٔ خداوند به پیامبر اسلام بر حفظ قرآن از تحریف، با وجود اینکه بیش از ۱۴ قرن از نزول آن می‌گذرد.

گاهی نیز قابل مشاهده فردی است؛ مانند درخواست حضرت ابراهیم (ع) برای دیدن معاد: ﴿كَيْفَ تَدْعُنَا إِلَىٰ تَوْحِيدٍ لَّهِ الْوَاحِدِ الْمَنَّانِ إِذْ دَعَاكَ سَعْيًا وَنَعَىٰ يَدُكَ إِلَىٰ مَا يَصْرُفُ عَنْ وَسْوَسَاتِ الْغِيَابِ وَالنَّاصِيَاتِ الْوَعِيدِ﴾ (آل عمران/۶۷). آیت الله جوادی می‌گوید: «مگر ایمان نیاورده‌ای؟! اَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ: چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟! فرمود: مگر ایمان نیاورده‌ای؟!»

عرض کرد: آری، ولی می خواهم قلبم آرامش یابد. فرمود: در این صورت، چهار نوع از مرغان را انتخاب کن و آن‌ها را قطعه قطعه کن. سپس بر هر کوهی، قسمتی از آن را قرار بده. بعد آن‌ها را بخوان، به سرعت به سوی تو می آیند، و بدان که خداوند قادر و حکیم است ﴿البقره/۲۶۰﴾. حال آنکه همین وعده برای عوام در دنیای دیگر و آخرت است.

### ۳. وعده‌های انسان‌شناختی

در انسان دو نیروی عقل نظری و عقل عملی وجود دارد. وعده‌های الهی نیز دو جنبه پیشینی و کنشی دارند. حکیم سبزواری در شرح منظومه، قوای نفس را علامه و عماله معرفی کرده است (سبزواری، بی تا: ۳۱۰). اما امیال، هر کنش، میل و گرایش را به همراه دارد و رابطه آن دو، گویا رابطه علی است؛ یعنی هر جا معلولی (کنشی) بود، قطعاً علت نیز هست. این دسته از وعده‌های الهی از دو منظر مورد توجه هستند.

#### ۱-۳. پیشینی

در انسان‌شناختی دینی، یک ساختار منسجم و مرتبط بین ابعاد مختلف وجودی انسان، اعم از مادی و معنوی، فردی و اجتماعی و گذشته و آینده دیده می‌شود و با توجه به اینکه در بُعد پیشینی، توان آینده‌نگری و پیش‌بینی نهفته است، انسان کنجکاو به یافتن آن است. درباره وعده‌های پیشینی هم می‌توان به ابعاد زیر اشاره کرد.

#### ۱-۱-۳. وعده‌های جاودانگی

محتوای آیات قرآن مجید در محدوده سبب و شأن نزول خود محصور نیست؛ زیرا کتاب جهانی و جاودانه است، و گرنه با فوت قومی خاص، باید آیات آن نیز فوت می‌شد. امام باقر<sup>(ع)</sup> جاودانگی قرآن را تشبیه به روشنایی خورشید و ماه کرده است. همان طور که آن دو اختصاص به زمانی ندارند، قرآن نیز چنین است: «يجرى كما يجرى الشمس

والقمر... یکون علی الأموات کما یکون علی الأحياء» (صفر، ۱۴۰۴ق.، ج ۱: ۲۰۳). وعده‌های الهی نیز همین گونه‌اند؛ یعنی تحقق برخی وعده‌های الهی در دنیا فرازمانی است و اختصاص به زمان عصر نزول ندارد؛ مانند: وعده نصرت الهی، همراهی خاص با صابران، نجات مؤمنان از مشکلات (الأنبياء/ ۸۸) و وعده صیانت قرآن از تحریف. برخی دیگر از وعده‌ها، مربوط به جهان آخرت است. خداوند وعده جاودانگی در بهشت را با عبارات مختلف (خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَعْدُودٍ (هود/ ۱۰۸)) بیان داشته است. حتی برخی مفسران نوشته‌اند: «عیاشی روایتی را از ابی بصیر نقل کرده که ابی بصیر گفت: من از امام باقر<sup>(ع)</sup> شنیدم که فرمود: دشمنان علی<sup>(ع)</sup> تنها کسانی هستند که برای همیشه و ابدی در آتش خواهند بود و خدای تعالی درباره آنان می‌فرماید: ﴿وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا﴾» (هلالی، ۱۴۱۶ق.:: ۴۹۷).

### ۳-۱-۳. وعده‌های سیاسی

وعده حکومت صالحان، یک وعده کلی است که مصادیق متعددی دارد. یک مصداق آن، جمهوری اسلامی است و مصداق اتم آن، یک «مَنّت» الهی است که سرانجام، به دست آخرین ذخیره الهی روی زمین محقق خواهد شد. همان گونه که بعثت پیامبر اسلام یک مَنّت الهی بود؛ رسولی که از میان مردم برانگیخته شد تا آیات الهی، تزکیه، تعلیم کتاب خدا و حکمت را به مؤمنان بیاموزد (آل عمران/ ۱۶۴). خداوند به صراحت وعده‌های جامعه و حکومت صالح، ایجاد امنیت، آرامش و جاگیر شدن دین به مؤمنان را اعلام داشته است: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...﴾ (النور/ ۵۵). منتهی این وعده مشروط به شروطی است که باید از سوی مؤمنان ظرفیت‌سازی شود، و گرنه به بینش امامیه، مقدمات آن با تولد امام عصر<sup>(ع)</sup>، عمر بابرکت و غیبت طولانی او فراهم شده است، حتی وجود نازنین وی یکی از منتظران است که بدو تولدش آیه ۵ سوره قصص را به زبان آورده است (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق.، ج ۵۱: ۱۸) و از تحقق نیافتن آن رنج می‌برد؛ به بیان دیگر، فاعلیت فاعل محقق، ولی قابلیت

قابل محقق نشده است. البته تشکیل حکومت جمهوری اسلامی می تواند زمینه ساز خوبی برای تشکیل حکومت موعود جهانی باشد، ولی گسترش آن برای تحقق این وعده ضروری است.

### ۳-۱-۳. وعده های اجتماعی هماهنگ

نظام دنیوی انسان برخلاف نظام اخروی، نظام فردی-اجتماعی، هماهنگ و ساختارمند است. خداوند انسان را به گونه ای خلق کرده که مجبور است برای رفع نیازمندی های خود با دیگران به سر برد و به زندگی اجتماعی تن دهد و در سایه همین زندگی اجتماعی، زمینه برخی اعمال مادی، مانند انفاق، تعاون، ایثار، عدالت و... محقق گردد تا انسان کمالات روحی بالقوه خود را به دست آورد؛ به بیان دیگر، یک ساختار فردی و اجتماعی هماهنگ دارد. از این رو، آیات الهی هر دو جنبه را در بر می گیرد. در جمع بندی بین وعده های الهی به دلیل حکمت الهی و نیز هماهنگی کلی آیات قرآن با یکدیگر، یک ساختار منسجم زندگی فردی-اجتماعی ایده آل و یک الگوی تمدن الهی ترسیم می گردد؛ مثلاً در بخش اقتصادی، انفاق که یک امر فردی-اجتماعی است، از یک طرف بر اساس آیات قرآن، وعده مغفرت و فضل الهی و از طرف دیگر، رفع نیاز اجتماعی و جلوگیری از هلاکت جامعه را به همراه دارد: ﴿وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ: در راه خدا انفاق کنید و (با ترک انفاق)، خود را به دست خویش به هلاکت نیفکنید و نیکی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست دارد﴾ (البقره/۱۹۵). یا صدقه هم چنین است و موجب تطهیر و تزکیه می شود. در بخش سیاسی نیز توجه به امور فرهنگی و اقتصادی جامعه، مانند توجه به برپایی نماز، امر به معروف و نهی از منکر و جمع آوری زکات و بهره برداری از آن مکنت الهی به همراه دارد (الحج/۴۱).

بنابراین، محتوای آموزه های الهی، چه در عرصه عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، طبیعی و سیاسی و چه در عرصه وعده های فردی و اجتماعی سبک زندگی



فردی - اجتماعی - طبیعی انسان را هدایت می‌کنند. در این سبک الهی، زندگی انسان برای روابط خود با خداوندش تنظیم می‌گردد.

### ۲-۳. کنشی

کنش انسان دو حیثیت فردی و اجتماعی دارد. در نظام الهی، انسان برای تعالی روح خود باید به جامعه توجه و احسان کند: ﴿وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾ و دیگران را بر خویش ترجیح دهند، هرچند خود نیازمند باشند (الحشر/۹). برخی ویژگی‌های وعده‌های کنشی انسان عبارتند از:

#### ۱-۲-۳. وعده علم‌آموزی

خداوند به عالمان مؤمن، وعده علو درجات داده‌است (المجادله/۱۱). در روایات، علم برتر از عبادت معرفی شده‌است. ارزش علم به لحاظ جنبه حکایت‌گری و کشف واقع است و از این نظر، ارزش بالعرض دارد. ارزش ذاتی آن به تبع ارزش محکی، عمل و نتایج آن است. از این رو، می‌توان به ارزش معلوماتی از قبیل موارد زیر اشاره کرد:

- شناخت حق تعالی و باطل «خداوند زمین را بدون عالم رها نکرد، اگر پیامبران نیابند و زمین خالی از عالم بماند، حق از باطل شناخته نمی‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷ق.، ج ۱: ۴۳۵).

- آبادانی زمین و اصلاح دنیا «خدا شما را از زمین آفرید و آبادی آن را به شما واگذاشت» (هود/۶۱).

- تربیت و پرورش صحیح نسل نو: «رسولی که آیات ما را بر شما بخواند و شما را پاک کند، و به شما کتاب و حکمت بیاموزد و آنچه را نمی‌دانستید، به شما یاد دهد» (البقره/۱۵۱).

- پیمودن مسیر تکامل، استقلال فکری: «مردم سه دسته‌اند: یا عالم ربّانی‌اند، یا متعلّم و در مسیر نجات هستند، و یا مانند مگس‌های کوچکی هستند که پیرو بادند و هر صدایی آنان را جذب می‌کند و استقلال ندارند» (فیض الإسلام، ۱۳۵۱: ح ۱۴۷).

- ارزش‌گذاری انسان‌ها «ارزش هر انسانی به مقدار دانایی اوست» (همان).

موارد فوق در زندگی اجتماعی و تمدنی، آثار مهمی بر جای می‌گذارد. قطعاً بخشی از توجه اسلام به علم‌آموزی، معطوف به آثار و با رعایت «تقوا» و عده علم به حقایق نیز داده شده‌است (الأنفال/۲۹).

### ۲-۲-۳. تربیت صالحان

ظهور منجی موعود و تشکیل حکومت وی، آمادگی انسان‌های صالح و کارگزاران حکومت را می‌طلبد. آمادگی انسان‌های صالح، نیازمند تربیت صحیح و معلّم صالح است. از این رو، تزکیه و تربیت بشر در اولویت کاری پیامبران قرار داشت. تربیت آنان در دو بخش صورت می‌گرفت. آنان هم استعداد علمی بشر را شکوفا کردند و هم توان عملی بشر را بالا بردند. در اسلام پدر و مادر به نوبه خود وظیفه تربیت انسان صالح را دارند. علی<sup>(ع)</sup> فرمودند: «حق فرزند بر پدر آن است که نام نیکو بر فرزند نهد، خوب تربیتش کند و او را قرآن بیاموزد» (فیض الإسلام، ۱۳۵۱: ح ۳۹۹). در قبال آن، خداوند وعده کرد که کار نیکوی فرزندان جزء باقیات صالحات و یک صدقه جاریه باشد و موجبات مغفرت و آمرزش آن‌ها را فراهم آورد (الکهف/۴۶).

### ۳-۲-۳. عقیدتی-سیاسی

حکومت‌ها در حیات سیاسی خود نیازمند هدف و راهکار رسیدن به آن هستند. بنیادی‌ترین آن‌ها، هدف است. در فرهنگ قرآن، هدف حکومت نباید باطل باشد؛ زیرا باطل با حق سازگار نیست. باطل زوال‌پذیر است: ﴿إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾

(الإسراء/۸۱)، ولی حق ماندگار است. حاکم باید هدف حکومت را خداوند قرار دهد؛ یعنی به دنبال *اقامه نماز*، جمع آوری زکات، امر به معروف و نهی از منکر، نفی شرک و کفر، آبادانی زمین، اتحاد بین مردم، تعاون، عدالت، امنیت، رفع جهل و تکامل روحی انسان‌ها باشد تا از یک سو، مشمول وعده هدایت و نصرت الهی قرار گیرد و مصداق آیه زیر باشد که می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ: و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نماییم و در حقیقت، خدا با نیکوکاران است﴾ (العنکبوت/۶۹). از سوی دیگر، زمینه ظهور وعده الهی، تشکیل حکومت منجی بشریت و برقراری عدالت و قسط بعد از پُر شدن ظلم روی زمین فراهم بشود (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق.، ج ۳۶: ۳۱۶).

#### ۴-۲-۳. همزیستی مسالمت‌آمیز اجتماعی

خداوند مسلمانان را ترغیب به اصلاح بین‌الناس و همزیستی مسالمت‌آمیز بین اهل کتاب و مشرکان در سایه قرآن اجازه داده است و نیز برای اینکه مبدا اختلاف دینی موجب عدم انسجام و اتصال افراد جامعه شود، وعده داده که خود اختلاف بین ادیان را در روز قیامت حلّ و فصل خواهد کرد (الحج/۱۷). همزیستی مسالمت‌آمیز با غیرمسلمانان، با دو راهبرد متفاوت ایمان برای اهل کتاب و نوع دوستی برای مشرکان و کافرانی که پیشینه سوء قصد ندارند، امکان‌پذیر ساخته است.<sup>۷</sup> همچنین، برای آن‌ها بر اساس قسط و عدالت، حقوقی محترم برشمرده است و تا زمانی که آن‌ها به عهد خود وفادار و توطئه نکنند، در امنیت هستند.

علی<sup>(ع)</sup> در نامه‌ای به مالک اشتر او را از ظلم به مردم بازداشت و مردم را یا برادران ایمانی او و یا انسانی هم‌نوع وی معرفی فرمود: «مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو و دسته دیگر همانند تو در آفرینش هستند. اگر از آنان سر می‌زند، یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌شود، یا خواسته و ناخواسته اشتباهی مرتکب می‌گردند، آنان را ببخشای و بر

آنان آسان گیر، آن گونه که دوست داری خدا تو را ببخشد و بر تو آسان گیرد» (فیض الإسلام، ۱۳۵۱: ن ۵۳)؛ زیرا ظلم موجب تزلزل پایه حکومت می شود.

درباره امپراطوری عثمانی نوشته شده است:

«مسیحیان مقیم کشورهای اسلامی آزادی مذهبی داشتند که هیچ فرمانروای مسیحی حاضر نمی شد آن را به مسلمانان مقیم کشورهای مسیحی اعطا کند؛ مثلاً در شهر از میر، مسلمانان پانزده مسجد، مسیحیان هفت کلیسا و یهودیان هفت کنیسه داشتند. در ترکیه و بالکان کلیسای ارتدوکس یونانی از طرف نمایندگان دولت عثمانی حمایت می شد. به عقیده پیپس، قسمت اعظم مجارستان از آن لحاظ تسلیم ترکان شد که زیر سلطه عثمانی، آزادی مذهبی بیشتری داشت تا امپراطوران کاتولیک» (دورانت، ۱۳۶۸، ج ۶: ۲۶۴).

#### ۴. وعده‌های روش‌شناختی

یکی از موضوعات فلسفه علم، موضوع روش‌شناسی است (ر. ک؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۷۲). در آنجا با روش عقلی به بررسی روش‌هایی که در علوم به کار رفته است، پرداخته می شود. با توجه به پربسامدی وعده‌های الهی، رویکردهای متفاوتی نسبت به آن‌ها صورت گرفته است. در رویکردشناسی وعده‌ها، همانند تقسیم‌بندی علوم بر اساس موضوع، می توان آن‌ها را به موارد زیر تقسیم نمود.

#### ۴-۱. رویکرد فقهی

آیات قرآن منبع معارف دینی در موضوعات گوناگون است، نگاه فقیه به وعده الهی، استنباط حکم شرعی است. وعده الهی از نظر فقهی، «دین» و تعهد خداوند است. از این رو، مشمول بزرگترین آیه قرآن و دین (البقره/ ۲۸۲) می شود، ادای دین واجب است. پیامبر اسلام فرمودند: «وعده، دین است. وای بر کسی که وعده دهد و خلف وعده کند» (قضاعی، ۱۳۶۱: ۸). وعده الهی معامله‌ای است که بین خداوند با برخی بسته می شود.

همان طور که پذیرش توبه را به تائب وعده داده است: «توبه نزد خداوند، تنها برای کسانی است که از روی نادانی مرتکب گناه می‌شوند، سپس به زودی توبه می‌کنند. ایشانند که خدا توبه آنان را می‌پذیرد» (النساء/۱۷). یا وعده خداوند به مؤمنان در قبال ایمان و انجام عمل صالح نیز چنین است: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ﴾: خداوند به آن‌ها که ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند، وعده آمرزش و پاداش عظیمی داده است ﴿المائدة/۹﴾.

هشام بن سالم می‌گوید: «از امام صادق<sup>(ع)</sup> شنیدم: وعده مؤمن به برادر مؤمن خود نذری است که کفاره ندارد. اما اگر کسی خلف وعده بکند، با خدا خلف وعده کرده است و خود را در معرض خشم او قرار داده است که فرمود: ﴿كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾» (عروسی الحویزی، ۱۳۸۲، ج ۵: ۳۱۰). نتیجه آنکه هر کس که مورد خشم خداوند قرار گیرد، قطعاً نه ناصر و نه راه فرار و خلاصی دارد.

#### ۲-۴. رویکرد کلامی

- وعده الهی، جزو اخبار غیبی قرآن است. قرآن در بعضی آیات، متعلقات ایمان را برشمرده است. بعضی از آن‌ها، مانند ایمان به توحید، نبوت و معاد، مربوط به اصول دین هستند و بعضی دیگر مربوط به لوازم اعتقاد، مانند ایمان به اخبار غیبی قرآن است: ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾ (البقره/۳). نگاه متکلم به این گونه آیات و کارکرد آن است. از جمله کارکردهای مفید وعده‌ها، تقویت ایمان در مواقع حساس است. در آغاز رسالت موسی و هارون، خداوند به آن‌ها فرمود: ﴿قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَى﴾: فرمود: نترسید! من با شما هستم؛ می‌شنوم و می‌بینم ﴿طه/۴۶﴾. همچنین، وقتی فرعونیان در تعقیب موسی به آن‌ها رسیدند، قوم موسی گفتند: ﴿فَلَمَّا تَرَأَى الْجَمْعَانَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ﴾: چون دو گروه همدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: ما قطعاً گرفتار خواهیم شد ﴿الشعراء/۶۱﴾. موسی با قاطعیت تمام آن را نفی کرد و فرمود: ﴿قَالَ كَلَّا إِنَّ

مَعَى رَبِّي سَيَهْدِين: موسی گفت: چنین نیست؛ زیرا پروردگارم با من است و به زودی مرا راهنمایی خواهد کرد ﴿الشعراء/۶۲﴾.

- وعده الهی شریک بردار نیست. خداوند وعده‌هایی را که فقط او را به تنهایی بخوانند، قول اجابت داده است، نه اینکه او و غیر او را بخوانند: ﴿أَجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي﴾: باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا به مقصد برسند ﴿البقره/۱۸۶﴾؛ زیرا در غیر این صورت، خداوند اعتراف به انجام امور توسط غیر خود کرده است. این موضوع شرک در اعتقاد به توحید ربوبی و تدبیر تکوینی است. همان گونه که مشرکان عصر رسالت رفتار می کردند: ﴿وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يَنْصُرُونَ﴾ و غیر از خدای یگانه، خدایانی به پرستش گرفتند تا یاری شوند ﴿یس/۷۴﴾. دیگر اینکه، خلاف کلام خداوند در قرآن است: ﴿إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ﴾ (آل عمران/۳۸). منظور از این کلام، اجابت دعا به وسیله خداست (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۴۶۳). مضاف بر این، خداوند به پیامبران اولوالعزم خود چنین آموزش داد: «ای موسی، هر چه بدان نیاز داری، از من بخواه، حتی علف گوسفند و نمک غذایت را». همچنین، به حضرت عیسی<sup>(ع)</sup> فرمود: «سئلی ولا تسأل غیری فیحسن منک الدعاء و منی الإجابة»؛ یعنی «ای عیسی! از من بخواه و از غیر من نخواه، پس از تو دعای نیک و از من اجابت» (ابن فهد حلّی، ۱۳۷۵: ۲۲۸-۲۲۹).

- وعده الهی حتمی است. به سه دلیل زیر:

الف) از نظر قرآنی؛ در قرآن مجید چنین گفته است: ﴿وَعَدَ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ الْمِيثَاقَ﴾ (الزمر/۲۰). همچنین، وعده الهی اصدق است: ﴿وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَ مَنْ أَصْدَقَ مِنَ اللَّهِ قِيلًا﴾: کیست که در گفتار و وعده‌هایش از خدا صادق‌تر باشد ﴿النساء/۱۲۲﴾.

اما دلیل اصدق بودن چیست؟ اگر منظور جمله فوق به قصد اخباری باشد، دلیل آن، علیم و حکیم بودن مخبر است، نه فراموش می کند و نه فریب می دهد. شیطان هم به صدق گفتار الهی، روز قیامت معترف است. در مقابل وعده الهی، وعده‌های شیطان است

که دروغ می‌باشد: ﴿وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقَّ وَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ: شیطان هنگامی که کار قیامت تمام می‌شود، می‌گوید: خداوند به شما وعده حق داد و من به شما وعده (باطل) دادم و تخلف کردم﴾ (ابراهیم/۲۲). ولی اگر جمله فوق به قصد انشاء باشد، باز نیز آصدق است؛ زیرا تخلف از وعده به سبب ناتوانی است که از ساحت مقدس او دور است (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۴۵۶). شاید برخی مفسران به سبب‌های فوق نوشته‌اند: «سخن او که جامع خبر و انشاء است، راست و استوارترین سخنان است» (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۲۰: ۵۲۳).

ب) از نظر عقلی، خلف وعده‌ها از ناحیه خداوند ممتنع و قبیح است؛ زیرا خلف وعده از روی جهل، سهو، نسیان، عجز، بخل و... صورت می‌گیرد و خداوند از تمام این حالات مبرا است.

مؤلف المیزان نوشته است: «کلماتی که خدای تعالی از آن چنین خبر داده که قابل تبدیل نیستند، اموری هستند که از لوح محو و اثبات خارج هستند و در نتیجه، می‌توان گفت که: کلمة الله، قول الله و وعد الله. به طور کلی، در عرف قرآن عبارتند از: احکام حتمیه‌ای که تغییر و تبدیل در آن راه ندارد» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۸۹).

اما وعده الهی از ناحیه بندگان ممکن است به دلیل عدم احراز شرایط و فقدان موانع واقع نشود. موانع مانند اینکه در استجاب دعا امام صادق<sup>(ع)</sup> فرمودند: «دعا باید جهت داشته باشد. سؤال شد: جهت دعا چیست؟ امام فرمودند: قبل از دعا خدا را حمد و تمجید گویی و نعمت‌هایی که به تو داده است، برشماری و شکر بگزاری. سپس بر محمد و آل او صلوات بفرستی، آنگاه گناهان خود را به یاد آورده و از آنها طلب مغفرت کنی. سپس به دعا پردازی» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۴۸۶). یا شرایط تحقق را از دست دهد؛ مانند جنگ «أحد» که ابتدا وعده الهی تحقق یافت، ولی بعداً مسلمین شرایط را از دست دادند: ﴿وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا: در نبرد اُحُد، قطعاً خدا وعده خود

را با شما راست گردانید. آنگاه که به فرمان او آنان را می‌کشید. تا آنکه سست شدید و در کار جنگ و بر سر تقسیم غنائم با یکدیگر به نزاع پرداختید و پس از آنکه آنچه را دوست داشتید به شما نشان داد، نافرمانی نمودید ﴿آل عمران/۱۵۲﴾.

- از نظر روایی؛ چنان که امام صادق (ع) خلف وعده را نهی فرمودند: «لا تعدن أخاک وعداً لیس فی یدک وفاؤه: هرگز به برادرت وعده‌ای نده که وفای به آن در دست تو نیست» (ابن شعبه حرّانی، ۱۳۶۳: ۳۶۷)؛ زیرا مطابق آیات ۲ و ۳ از سوره صف، خلف وعده خشم و غضب خداوند را به همراه دارد. همچنین، خداوند در قرآن مجید فرموده است: ﴿أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُون﴾ (البقره/۴۰). از این رو، برخی متکلمان نوشته‌اند: «به اعتقاد شیعه، وعده خداوند بر ثواب حتمی است، ولی وعید وی بر عقاب حتمی نیست. اگر عذاب کند، از عدالت و اگر ببخشد، از فضل اوست» (ابن باویه قمی، ۱۴۱۴ق.: ۶۷). بنابراین، تخلف از وعده، از نظر عدلیه و عقلا، عملی قبیح و محال است.

#### ۳-۴. رویکرد تفسیری

در آیه شریفه، ﴿وَإِذْ كَرَّمْنَا فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ﴾ (مریم/۵۴). بنا بر یک نقل، خداوند اسماعیل بن حزقیل را به سبب عمل به وعده‌اش و انتظار یک سال، صادق‌الوعد نامید (یعنی کسی که وعده خود را حفظ می‌کند) (ر.ک؛ قمی، ۱۴۰۴ق.، ج ۲: ۵۱). بنا بر نقل دیگر، اسماعیل بن ابراهیم، پیامبر قوم جرهم بوده است (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۸۰۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق.، ج ۶: ۲۱۸).

مفسران قرآن در مواجهه با آیات قرآن به سه صورت عمده، یعنی مأثور، معقول و تفسیر به رأی عمل می‌کنند. در تفسیر مأثور، با استمداد از متن قرآن یا با استعانت از روایات معتبر عمل می‌شود، نام آن‌ها به ترتیب، تفسیر قرآن به قرآن و تفسیر قرآن به سنت نامیده می‌شود. در تفسیر «درایی» یا «روایی» از قوه عقل برای برخی مبادی تصدیقی و مبادی آیه به عنوان برهان استفاده می‌شود. اما تفسیر به رأی در حقیقت، تطبیق قرآن با



نظرات جدید علمی یا شخصی و... است. این تفسیر مشمول روایات منهی «من فسر القرآن» است. در تفسیر عقلانی نیز «وعده» و «وعید» لازم و ملزوم یکدیگر دانسته می‌شوند.

وعده‌های الهی در قرآن غالباً در کنار وعید به صورت مختلف آمده‌است. گاهی در یک آیه، وعده و وعید پشت سر هم آمده‌است؛ مانند: ﴿فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَاتَّبَعَهَا فَأْتَبَىٰ إِلَيْهِمْ وَأَنْزَلَ إِلَيْهِمُ الرِّسَالَاتِ وَوَعَّدَهُمْ عَذَابًا لَوْ أَنَّهُمْ لَبُؤُا بِمَا فِي الرِّسَالَاتِ لَأَنبَتُوا كَبَابًا ۗ وَسَاءَ مَا يَحْكُمُونَ﴾ (البقره/۲۷۵). گاهی نیز در دو آیه پشت سر هم می‌آید؛ مانند: «ربی» و «بیع» (البقره/۲۷۶-۲۷۷). چراقرآن مجید به صورت‌های مختلف آن دو را بیان کرده‌است؟

ممکن است دلیل آن در یک آیه، شتاب‌زدگی انسان باشد: ﴿وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالنَّارِ ۗ دُعَاءَ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا ۗ وَانْسَانَ بَدِيهَا رَا طَلَبَ مِي كُنْد، آن گونه که نیکی‌ها را می‌طلبد؛ و انسان شتاب‌کننده می‌باشد﴾ (الإسراء/۱۱). مقصود از اینکه فرمود: «انسان عجل است»، یعنی به محض اینکه چیزی را شنید و مطابق میلش دید، با عجله و شتاب‌زدگی به سویی می‌رود (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۶۶). در دو آیه ممکن است دلیل این باشد که برخی درخواست کنندگان وعده تا حدودی خود را کنترل می‌کنند؛ مانند مطالبه نشانه زکریا<sup>(ع)</sup> از خداوند درباره بشارت فرزندار شدن که با تأنی بود (ر.ک؛ آل عمران/۴۲). یا مطالبه موسی<sup>(ع)</sup> از خضر<sup>(ع)</sup>. لذا موسی<sup>(ع)</sup> در مقابل قولی که به خضر<sup>(ع)</sup> داده بود، گفت: ﴿قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا ۖ بِه سبب فراموشی مرا مؤاخذه مکن و از این کارم بر من سخت مگیر﴾ (الکهف/۷۰).

فخر رازی ذیل آیه ۲۰ سوره زمر (وَعَدَ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ) نوشته‌است: «نکته شریفی است. خداوند در بسیاری از وعده‌ها تصریح دارد بر اینکه خلف وعده نمی‌کند،

ولی درباره وعید این طور نگفته است. این نشان می دهد که برخلاف عقیده معتزله، عمل به وعده ارجح از وعید است» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۶: ۴۳۴).

#### ۴-۴. رویکرد تربیتی

با توجه به جامعیت قرآن در هدایتگری (تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهَدَىٰ وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ)، وعده های الهی اهداف تربیتی دارند؛ بدین صورت:

#### ۴-۴-۱. ارزش آفرینی

زندگی انسان در نگاه مکاتب مادی و معنوی صرف، تفسیر خاص دارد. اما قرآن بر اساس جهان بینی خود، زندگی اصیل و حقیقی را به گونه ای معرفی کرده که مکاتب مادی و معنوی صرف فاقد ویژگی زندگی مادی و معنوی توأمان می باشند. از این رو، قرآن به مؤمنان واقعی مژده حیات طیبه (النحل/۹۷) در دنیا و مغفرت در آخرت (البقره/۲۸۶) را داده است.

#### ۴-۴-۲. جنبه تشویقی

وعده هایی هست که برای تشویق انسان هاست؛ مانند: «خریدن جان مؤمنان» و «اعطای بهشت» به آن ها: ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّهُمْ لَيُبَيِّنَنَّ فِي سَبِيلِ اللَّهِ: در حقیقت، خدا از مؤمنان، جان و مال آنان را به بهای اینکه بهشت برای آنان باشد، خریده است﴾ (التوبه/۱۱۱) (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۰: ۱۷۶). پرواضح است که خداوند مالک تمام عالم هستی و جان هاست. پس خریدن او جنبه خرید واقعی نیست و انسان مالکیتی بر جان خود ندارد تا آن را بفروشد، بلکه جنبه تشویق دارد. یا اعطای «اجر» به انسان در مقابل هجرت اوست: ﴿وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا: هر کس

به قصد مهاجرت در راه خدا و پیامبر او از خانه‌اش درآید، سپس مرگش دررسد، پاداش او قطعاً بر خداست و خدا آمرزندهٔ مهربان است ﴿(النساء/۱۰۰)﴾. کسی که به سرزمین اسلامی مهاجرت می‌کند، از منافع آن منتفع خواهد شد و اجر این کار را باید به مالک سرزمین بدهد، در صورتی که خداوند در این هجرت اجری نمی‌گیرد، بلکه اجر می‌دهد.

#### ۴-۴-۳. از یاد و ترغیب به ایمان

تحقق وعدهٔ الهی در دنیا موجب ازدیاد ایمان و تسلیم بیشتر مؤمنان به فرمان‌های الهی می‌شود. خداوند دربارهٔ پیروزی مسلمانان در جنگ احزاب می‌فرماید: ﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا﴾ و چون مؤمنان دسته‌های دشمن را دیدند، گفتند: این همان است که خدا و فرستاده‌اش به ما وعده دادند و خدا و فرستاده‌اش راست گفتند؛ و جز بر ایمان و فرمانبرداری آنان نیفزود ﴿(الاحزاب/۲۲)﴾.

#### ۴-۴-۴. عبرت‌آموزی

عملکرد گذشتگان مبنی بر تسلیم نشدن در مقابل سختی‌ها و فتنه‌ها، موجب رستگاری آنان شده است: ﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْمِبِينَ﴾ البأساء والضراء و زلزلا حتى يقول الرسول والذين آمنوا معه متى نصر الله إلا إن نصر الله قريب: می‌پندارید بدون اینکه آنچه بر سر اقوام و ملل گذشته از مصائب درونی و برونی بیامد، بر سر شما آید، داخل بهشت شوید؟ نه ممکن نیست شما نیز مانند آن‌ها امتحان خواهید شد. آن‌ها چنان آزمایش سختی شدند که دچار زلزله گشتند، حتی رسول و مؤمنان گفتند: پس نصرت خدا چه وقت است؟ آنگاه به ایشان گفته شد: آگاه باشید که نصرت خدا نزدیک است ﴿(البقره/۲۱۴)﴾. چنان‌که پیمان‌شکنی بنی‌اسرائیل موجب غضب الهی و چهل سال سرگردانی در صحرا شد، تا اینکه سرکشان نابود شدند (ر.ک؛ عهد عتیق، سفر خروج: باب ۱۳ و همان، سفر اعداد: باب ۱۴): ﴿فَرَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ

عَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا حَسَنًا أَقْتَالَ عَلَيْكُمْ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحُلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ مَّوْعِدِي: موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت و گفت: ای قوم من! مگر پروردگارتان وعده نیکویی به شما نداد؟! آیا مدت جدایی من از شما به طول انجامید؟! یا می‌خواستید غضب پروردگارتان بر شما نازل شود که با وعده من مخالفت کردید؟! ﴿(طه/۸۶).

#### ۴-۴-۵. مغرور نشدن

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ: ای مردم! وعده خداوند حق است. مبدا زندگی دنیا شما را بفریبید و مبدا شیطان شما را فریب دهد و به خدا مغرور سازد﴾ (الفاطر/۵). این آیه شریفه بیان می‌دارد که سخنان خداوند مطابق با واقع است و قطعاً محقق می‌شود. همچنین، اسباب مغرور شدن در دنیا را معرفی کرده است که یکی، مظاهر دنیایی، مانند مال، مقام، فرزند و... و دیگری، گستاخ شدن و تکبر ورزیدن به کرم و عفو خداوند است. شیطان برای فریفتن انسان از هر دو عامل به تناسب افراد استفاده می‌کند و برای ترغیب انسان، آن را «زینت» می‌بخشد که کار شیطان همین زینت دادن امور است.

#### نتیجه‌گیری

با نگاه عقلی به ویژگی وعده‌های الهی در قرآن و روایات، آن‌ها را در ابعاد معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی (بینشی و کنشی) و روش‌شناختی طبقه‌بندی کردیم.

نتیجه معرفت‌شناسی وعده‌های الهی در قرآن و سنت، از طریق نقل معتبر و عقل‌برهانی قابل شناخت است. از نظر ماهیت، کاملاً با ماهیت وعده انسان متفاوت است و در هیچ انحصاری، از قبیل زمان، مکان، اشخاص و شیوه بیانی نیست و معیار صدق موجه دارد. از نظر دانش هستی‌شناسی، منبع معرفت وعده‌ها، اراده الهی و تجلی او در کلام

اوست. وعده‌ها بالفعل موجود هستند و وجود تشکیکی دارند. در حوزه انسان‌شناسی، منبع انسان‌شناختی، محصول نقل معتبر است و با توجه به بُعد بینشی و کنشی (فردی و اجتماعی)، الگوی سبک زندگی خاص و جامعه‌ای با الگوی الهی را ترسیم می‌کنند. در این الگو، نظام زندگی دنیوی برخلاف نظام اخروی، فردی و اجتماعی است و مؤمنان در زندگی اجتماعی، تعالی سعادت دنیوی و اخروی خود را به صورت نسبی از نیکوکاری است، ولی وعده‌های الهی در ابعاد فقهی، تفسیری، کلامی و تربیتی هدفمند هستند و زمینه کامل هدایتگری و تربیت انسان را فراهم می‌کنند.

پی نوشت:

۱- زیرا عالم برزخ، عالم تکلیف و عمل مکلفانه نیست که ثواب و عقاب داشته باشد.

منابع و مآخذ

قرآن کریم.

ابن سیده، علی بن اسماعیل. (بی تا). *المحکم و المحيط الأعظم*. تحقیق و تصحیح عبدالحمید هنداوی. چ ۱: بیروت: دار الکتب العلمیة.

ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی. (۱۳۷۶). *الأمالی الصدوق*. تهران: کتابچی.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۸ق). *التوحید*. تصحیح حسین هاشمی. چ ۱.

قم: جامعه مدرسین.

\_\_\_\_\_ (۱۴۱۴ق). *الإعتقادات*. چ ۲. قم: المؤتمر العالمی

للشیخ المفید.

ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی. (۱۳۶۳). *تحف العقول*. تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری.

قم: جامعه مدرسین.

- ابن فهد حلی، احمد بن محمد. (۱۳۷۵). *آیین بندگی و نیایش*. ترجمه عدّه اللّاعی و نجاح الساعی. ترجمه حسین غفاری ساروی. قم: بنیاد معارف اسلامی.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۴۱۰ق.). *غرر الحکم و درر الکلم*. تحقیق سید مهدی رجائی. چ ۲. قم: نشر دار الکتب الإسلامی.
- ثعلبی، احمد بن محمد. (۱۴۲۲). *الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی*. تحقیق ابی محمد ابن عاشور. بیروت: نشر دار إحياء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۳). الف. *توحید در قرآن*. چ ۱. قم: مؤسسه اسراء.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۳). ب. *دین شناسی*. چ ۳. قم: مؤسسه اسراء.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۶). الف. *تسنیم*. چ ۱۲. چ ۱. قم: مؤسسه اسراء.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۶). ب. *شریعت در آئینه معرفت*. چ ۱. قم: مؤسسه اسراء.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۶). ج. *منزلت عقل در هندسه معرفت دینی*. چ ۱. قم: مؤسسه اسراء.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۷). *تسنیم*. عبدالکریم عابدینی. چ ۱. ج ۱۱ و ۱۴. قم: مؤسسه اسراء.
- \_\_\_\_\_ . (بی تا). *الصّاحح*. تحقیق احمد عبدالغفور. چ ۱. بیروت: دار العلم للملایین.
- دورانت، ویل. (۱۳۶۸). *تاریخ تمدن*. ترجمه فریدون بدره‌ای و دیگران. چ ۲. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (بی تا). *مفردات ألفاظ القرآن*. چ ۱. بیروت: دار القلم.
- سبزواری، ملا هادی. (بی تا). *شرح منظومه*. بی جا: بی نا.
- صدرای شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۳). *مفاتیح الغیب*. چ ۱. تهران: مؤسسه مطالعاتی و تحقیقاتی فرهنگی حکمت و فلسفه ایران.
- صفار، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ق.). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم*. تصحیح محسن بن عباسعلی باغی. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.

- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*. چ ۵. ج ۷. قم: دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه).
- طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۷۰). *مکارم الأخلاق*. قم: بی‌نا.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تصحیح فضل الله یزدی طباطبائی و هاشم رسولی. چ ۳. تهران: نشر ناصر خسرو.
- عروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۳۸۲). *تفسیر نور الثقلین*. تصحیح هاشم رسولی محلاتی. چ ۲. قم: دار التفسیر.
- فیاضی، غلامرضا. (۱۳۸۷). *در آملدی بر معرفت شناسی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق.). *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*. چ ۳. بیروت: نشر دار إحياء التراث العربی.
- فیض الاسلام، سید علینقی. (۱۳۵۱). *ترجمه و شرح نهج البلاغه*. تهران: صحافی فیض.
- قضاعی، محمد بن سلامه. (۱۳۶۱). *شرح فارسی شهاب الأخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم)*. تحقیق جلال الدین حسینی آرموی (محدث). تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق.). *تفسیر القمی*. تصحیح طیب موسوی جزایری. قم: دار الكتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق.). *الکافی*. تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. چ ۴. تهران: نشر دار الکتب.
- \_\_\_\_\_ . (بی‌تا). *أصول الکافی*. ترجمه سید جواد مصطفوی. تهران: کتابفروشی علمیه اسلامیة.
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۷۳). *آموزش فلسفه*. ج ۱. چ ۶. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- مصباح یزدی، مجتبی. (۱۳۹۰). *احتمال معرفت شناختی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

- معلمی، حسن. (۱۳۹۰). *معرفت شناسی و مباحث جدید کلامی*. چ ۱. قم: بوستان کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. ج ۱. چ ۱۰. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق.). *بحار الأنوار*. چ ۲. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ری شهری، محمد. (۱۳۸۱). *منتخب میزان الحکمة*. ترجمه حمیدرضا شیخی. ج ۲. چ ۱. قم: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث.
- سایت سمت خدا. کتاب وعده‌های الهی به صابران؛ [www.samtekhoda3.ir](http://www.samtekhoda3.ir).

